

شاعر فارسی سرای ترک، استاد عونی بیگ یکیشهری و تأثیر شاعران ایرانی در دیوان وی

دکتر محمد آتالی

عضو هیأت علمی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه استانبول

گروه زبان و ادبیات فارسی

ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

عونی، فرزند «صدقی ابوبکر پاشا» در سال ۱۸۲۶ میلادی، در شهر یکیشهر در لارسه‌ی امروز به دنیا آمد. در مورد تحصیلات وی، اطلاعات چندانی در دست نیست. فقط در زمان «عبدالرحمن سامی پاشا» که والی «ترخاله» بود، پدر وی نیز کدخدای پاشا بوده و عونی، از حضور پاشا استفاده کرده و نزد وی مثنوی مولانا را خوانده است. وقتی که سامی پاشا والی «ویدین» شد، عونی را به سمت کاتبی خود در آورد. در سال ۱۸۵۵ میلادی به استانبول آمد و با دختر «مصطفی دده» که پوست نشین مولوی خان‌ی «بشکطاش» بود، ازدواج کرد. در سال ۱۸۵۹ که «مصطفی نوری پاشا» والی بغداد و مشیر عراق می‌شود، به عنوان کاتب دیوان، به همراه وی به آنجا می‌رود و بعدها برای انجام مأموریت‌های مختلفی به استانبول باز می‌گردد. در اواخر عمر خود در سمت

محکمه‌ی بدایت «اسکدار» انجام وظیفه می‌کند. او در سال ۱۸۸۳ فوت کرد و در سماع خانگی درگاه «بهاریه‌ی ایوب» دفن می‌شود. عونی بیگ، عضو انجمن شعرا بوده و از احترام خاصی نیز برخوردار بود. او به زبان‌های عربی، فارسی، روسی و فرانسه تسلط کامل داشت. به خصوص بر ادبیات فارسی، وقوف بیش تری داشته و از دیوان‌های شاعران بزرگی چون انوری، فیضی و قاتنی، بیت‌های زیادی حفظ کرده بود و نیز آثار شاعران ترک مانند «فضولی»، «نفعی»، «ندیم» و «شیخ غالب» را مطالعه کرده بود.

عونی بیگ، یکی از مریدان طریقت مولویه بود و دیوان کبیر و مثنوی مولانا را از خود جدا نمی‌کرد. اکثر شعرهای عونی بیگ، حکیمانه و متصوفانه است. در آثار وی، تفکر تصوف و به خصوص وحدت وجود، حاکم است و در آثارش، عشق به اهل بیت به وفور دیده می‌شود. در اشعار وی تقریباً تمامی صورت‌های نظم را می‌توان دید. در وادی قصیده، او از شاعران صاحب دیوان ترکی و فارسی، مانند نفعی پیروی کرده است. در قصیده‌هایی که در آن‌ها از حضرت علی و مولانا تعریف می‌کند، می‌توان گفت که به درجه‌ی استاد خویش - نفعی - می‌رسد. غزل‌های وی از لحاظ عمق فکری، به شیخ غالب و از نظر کلمات حکمت، به نابی و از لحاظ تغنی، به فضولی شباهت دارد. بر این اساس، باید از وی به عنوان یک شاعر بزرگ واقعی نام برد. وی متصوف بود و به تمامی ظرایف آن آگاه بود. با این اوصاف، وی را می‌توان آخرین شاعر دیوانی نام برد. در بیشتر اشعارش از تخلص عونی و در بعضی موارد از «عون الحسین» استفاده می‌کرده. در یک مطلع غزل خود چنین می‌گوید:

از کمال مستی جام فنا عون الحسین در حضور خویشتن یاران خود گم کرده‌ام
 عونی بیگ، یک دیوان به زبان ترکی و یک دیوان به زبان فارسی دارد؛ «ترجمه‌ی مثنوی»، «آتشکده»، «مرآت الجنون»، «نهان قضا»، «آب‌نامه»، «بلبل‌نامه»، «لغت اصطلاحات» و «یکی شهرنامه‌ی منظوم» از آثار دیگر وی است.

در این مقاله از دیوان فارسی عونی بیگ و تأثیر شاعران فارسی زبان در شعر بحث کرده‌ایم:

اگر به احترام چهار کتاب مقدس، یکی از رباعی‌هایم را بشنود

روح خیام با رباعیاتش به جنبش خواهد آمد

نفعی، توبه از سرودن شعر فارسی می‌کرد

اگر از اشعار فارسی غنی من پیغامی می‌گرفت

این ابیات را عونی گفته و به اشعار فارسی خود افتخار می‌کرده است که مشتمل بر ۱۲ قصیده، یک مخمس، ۲ تخمیس، ۲ ترکیب بند، ۱۲ مثنوی، ۶۵ غزل، ۱۴ قطعه، ۱۷ نظم، ۲۶ رباعی، ۱۸ مطلع، ۲۱ مفرد و یک مصرع، جمعاً ۱۸۸ منظومه و ۱۵۹۸ بیت است.

از مجموع قصیده‌های وی، چهار قصیده، مدحیه است و یکی از این چهار قصیده، نظیره‌ی قصیده‌ی «نورس افندی» است که صدها سال در جمع قصیده‌های هم‌ردیف (شین) جای گرفت.^۲

مطلع شعر قدیم نورس چنین است:

دلی دارم که می‌خوانند غم‌خواران گلستانش گلش داغ و فغانش عندلیب آه است ریحانش^۳
اما مطلع نظیره‌ی شعر بالا که عونی بیگ سروده است چنین است:

جهان آینه‌ی عشق است و دل طوطی خندانش سخن توحید یزدانی و شکر فیض فراوانش^۴
دو قصیده‌ی دیگر عونی بیگ در ستایش حضرت محمد و حضرت علی است. مطلع این دو قصیده در ذیل آمده است:

ای که داری به من جواب و سؤال باز گویم تو را حقیقت حال^۵
جهان غرقاب خون خواهد شدن از اشک خون پالا بیای کشتی گردون بسم الله مجری‌ها^۶
سنایی نیز در همین وزن و قافیه قصیده‌ای سروده که مطلع آن بدین صورت است:

مکن در جسم و جان منزل که این دون است و آن والا قدم زین هر دو بیرون نه نه آن جا باش و نه
این جا^۷

قصیده‌ی دیگری که در دیوان وی موجود است در وصف شمس تبریزی است. قصیده با این بیت شروع می‌شود:

ز قید قالب صلصال بیرون شو که جان باشی ز جان خویش هم بگذر که تا جان جهان باشی^۸

۲- در ادبیات فارسی و ترکی، هم وزن و هم قافیه با این قصیده، منظومه‌های زیادی از ناصر خسرو، مسعود سعد سلمان، سنایی، خاقانی، ظهیرالدین فارابی، مولانا جلال‌الدین، جامی، علیشیر نوایی، فضولی، عرفی، نعمی، صائب تبریزی، شوکت بخاری، عبدالقادر بیدل، هاتف اصفهانی و قاتنی سروده شده است. برای اطلاعات بیشتر تر در این مورد به این مقاله نظر کنید به: ضیاءالدین سجادی، سیر یک قصیده در نه قرن، نامه‌ی مینوی، مجموعه مقالات در بزرگداشت مینوی، تهران، ۱۳۵۰، صص ۵۶۳ - ۵۸۷ و دیوان فارسی نعمی، صص ۱۳ - ۲۵.

۳- دیوان فارسی نورس افندی، ص ۷.

۴- دیوان فارسی یکشهری عونی بیگ، ص ۸.

۵- دیوان فارسی یکشهری عونی بیگ، ص ۱۲.

۶- دیوان فارسی یکشهری عونی بیگ، ص ۱۴.

۷- دیوان حکیم سنایی غزنوی، ص ۵۸.

۸- دیوان فارسی یکشهری عونی بیگ، ص ۱۵.

هم قافیه با این قصیده، صائب تبریزی و مولوی نیز غزلی سروده‌اند. مطلع غزل مولانا چنین است:

بجه بجه ز جهان تاشه جهان باشی
مطلع غزل صائب چنین است:
اگر به جسم درین تیره خاکدان باشی
در دیوان فارسی عونی بیگ در مدح سلطان «عبدالعزیز» و هجو مرجع تقلید شهر بغداد، قصیده‌هایی وجود دارد.

این دیوان ۶۵ غزل فارسی دارد و یکی از غزل‌هایش شبیه غزل «مولانا خالد بغدادی» است. غزل خالد بغدادی بدین صورت آغاز می‌شود:

به معمار غمت نو ساختم ویرانه‌ی خود را
نظیره‌ی عونی بیگ چنین شروع می‌شود:

به یادت طور گردانیدم آتش خانه‌ی خود را
با غزل‌های عونی بیگ، غزل‌های شاعران معروفی چون مولانا، خواجو، صائب، سعدی، حافظ، سنایی و جامی در ذهن انسان تداعی می‌شود؛ به عنوان مثال، شعری که در غزل عونی بیگ این چنین جای گرفته است:

سالها باید عدید و قرن‌ها باید مدید
بیت‌های زیر که مربوط به سنایی است را به خاطر می‌آورد:

سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
ماه‌ها باید که تا یک پنبه دانه ز آب و خاک

روزها باید که تا یک مشت پشم از پشت میش
عمرها باید که یک کودکی از روی طبع

قرن‌ها باید که تا از پشت آدم نطفه‌ای
قرن‌ها باید که تا از پشت آدم نطفه‌ای

شعرهای سعدی و مولانا جلال‌الدین که در زیر آمده است نیز اشعار عونی بیگ را تداعی می‌کند.

۹ - کلیات دیوان شمس، جلد ۲، ص ۱۱۴۵.

۱۰ - دیوان صائب تبریزی، جلد ۶، ص ۳۳۲۸.

۱۱ - دیوان مولانا خالد بغدادی و شرح او، ص ۱۳۵.

۱۲ - دیوان فارسی یکیشهرلی عونی بیگ، ص ۶۰.

۱۳ - دیوان فارسی یکیشهرلی عونی بیگ، ص ۸۴.

۱۴ - دیوان حکیم سنایی غزوی، ص ۲۵۲.

سعدی:

سنگی به چند سال شود لعل پاره‌ای ز نهار تا به یک نفسش نشکنی به سنگ^{۱۵}

مولانا:

سال‌ها باید که اندر آفتاب لعل یابد رنگ و رخشانی و تاب^{۱۶}

برای این شعر حافظ نیز عونی بیگ نظیره‌ای سروده است:

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید^{۱۷}

نظیره‌ی عونی بیگ چنین است:

مژده ای دل که مبارک خبری می‌آید که از آن مهر تجلی اثری می‌آید^{۱۸}

هونی بیگ نظیره‌ای برای این شعر سعدی نیز نوشته است:

من ندانستم از اول که تویی مهر و وفایی عهد نابستن از آن به که ببندی و نپایی^{۱۹}

نظیره‌ی عونی بیگ:

آفتابا ز چه رو پیش مه ما بنمایی خیرت نیست که در جلوه‌گهش هم چو سحابی^{۲۰}

عونی بیگ پنج مسمط دارد که یکی از آنها مخمس، دو تای دیگر، تخمیس و دو تای دیگر هم

ترکیب‌بند می‌باشد. در یکی از تخمیس‌های ایشان، غزل «مغربی» و در دیگری، غزل «نورس

افندی» تخمیس شده است. یکی از ترکیب‌بندهای عونی بیگ، مرثیه‌ای است که در وفات پدر

خود نوشته است. ترکیب‌بند دیگر، نظیره‌ای است بر مرثیه‌ی مشهور محتشم کاشانی نوشته شده

است. این نظیره که از واقعه‌ی کربلا می‌گوید، دارای دوازده بند است. عونی بیگ، این شعر محتشم

را تنظیم کرده است:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است^{۲۱}

نظیره‌ی عونی بیگ:

ای آسمان بنال که هنگام ماتم است شادی حرام گشت که ماه محرم است^{۲۲}

در دیوان فارسی عونی بیگ، دوازده مثنوی موجود است. این مثنوی‌ها شامل موضوعاتی چون

داستان، عبادت، طبیعت پرستی، مدد جویی از مولانا، نصیحت، وصیت، ذمّ تعصب، خطاب به

۲۰ - دیوان فارسی یکیشهری عونی بیگ، ص ۸۶.

۲۱ - دیوان مولانا محتشم کاشانی، ص ۲۸۰.

۲۲ - دیوان فارسی یکیشهری عونی بیگ، ص ۲۵.

۱۵ - گلستان سعدی، ص ۱۸۰.

۱۶ - مثنوی معنوی، دفتر ۱، بیت ۲۵۹۷.

۱۷ - شرح سودی بر حافظ، جلد ۲، ص ۱۳۵۴؛ حافظنامه، جلد ۲، ص ۸۰۲.

۱۸ - دیوان فارسی یکیشهری عونی بیگ، ص ۷۵.

۱۹ - کلیات سعدی، ص ۶۰۰.

منکران و موضوعات فراوان دیگر است.

موضوعات قطعات او، مولودیه، ترجمه و هجو است.

یکی از نظم‌های وی، نظیره‌ای بر شعر ترکی «نیازی مصری» است. دوربای از رباعی‌های او به شکل مستزاد است. بعضی از رباعیات وی نیز، مدحیه و هجویه است.

در آثار عونی بیگ، تأثیر شاعران ایرانی به وفور دیده می‌شود. در یکی از آن‌ها دنیا به یک زن پیر تشبیه شده است که در آثار بسیاری از شاعران دیده می‌شود. شعر مورد بحث که در منظومه‌ی عونی بیگ وجود دارد، به قرار زیر است:

این دهر دل‌آزار عجوزیست جگرخوار
بالله کس نیست که از مکرش امین است^{۲۳}
و می‌بینیم که این مضمون در آثار شاعرانی چون امام غزالی، فخرالدین گرجانی، ناصر خسرو، خاقانی، اوحدی، سعدی و حافظ دیده می‌شود و در رباعی ابو سعید ابوالخیر، این موضوع، چنین است:

جهدی بکن ار پند پذیری دوسه روز
تاپیش تراز مرگ بمیری دوسه روز
دنیا زن پیریست چه باشد از تو
با پیرزنی انس نگیری دوسه روز^{۲۴}
شعر زیر از عونی بیگ نیز این ابیات سعدی را به خاطر می‌آورد:
خروس عرش معنایی بلال کعبه‌ی دل شو
در این چرکاب زار دهر تاکی ماکیان باشی^{۲۵}
شعر سعدی:

چو ماکیان به در خانه چند بینی جور؟
چرا سفر نکنی چون کبوتر طیار^{۲۶}
این مقاله در مورد شاعر معروف دوره‌ی عثمانی قرن نوزده میلادی، عونی بیگ یکیشهرلی و اشعار فارسی وی و تأثیر شاعران فارسی زبان در اشعار وی تهیه و تنظیم شده است.

منابع:

- ۱ - امام محمد غزالی طوسی، کیمیای سعادت، ۲ مجلد، به کوشش حسین خدیو جم، ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۲ - بهاء الدین خرمشاهی، حافظنامه، ۲ مجلد، تهران ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۳ - شرح سودی بر حافظ، ترجمه از ترکی به فارسی: عصمت شارزاده، ۴ مجلد، تهران ۱۳۶۶ ه.ش
- ۴ - ضیاء الدین سجادی، سیر یک قصیده در نه قرن، نامه‌ی مینوی، مجموعه مقالات

۲۳ - دیوان فارسی یکیشهرلی عونی بیگ، ص ۴۰.

۲۴ - کیمیای سعادت، جلد ۱، ص ۷۶.

۲۵ - دیوان فارسی یکیشهرلی عونی بیگ، ص ۱۶.

۲۶ - کلیات سعدی، ص ۷۲۰.

بزرگداشت مینوی، تهران ۱۳۵۰ ه.ش، ص ۵۶۳ - ۵۸۷.

- ۵ - دیوان حکیم سنایی غزنوی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۶ - دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمد قهرمان، ۶ مجلد، تهران ۱۳۷۵ ه.ش
- ۷ - دیوان فارسی نفعی، به کوشش محمد آتالای، ارضروم ۲۰۰۰.
- ۸ - دیوان فارسی نوری قدیم، تهیه کننده: آدم قره دره، قرق قلعه ۱۹۹۹.
- ۹ - دیوان فارسی یکشهرلی عونی بیگ، به کوشش محمد آتالای، انقره ۲۰۰۵
- ۱۰ - دیوان مولانا خالد بغدادی و شرح او، ناشر و مترجم: صدرالدین یوکسل، استانبول ۱۹۷۷.
- ۱۱ - دیوان مولانا محتشم کاشانی، به کوشش مهر علی گرگانی، تهران ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۱۲ - کلیات سعدی، به کوشش محمد علی فروغی، تهران ۱۳۶۹ ه.ش.
- ۱۳ - گلستان سعدی، ناشر: غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۷۳ ه.ش.
- ۱۴ - مولانا جلال الدین، کلیات دیوان شمس، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، ۲ مجلد، تهران ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۱۵ - مولانا جلال الدین، مثنوی معنوی، ناشر: ریلند آئین نیکلسون، تهران ۱۳۷۵، از روی چاپ ۱۹۲۵ - ۱۹۳۳ میلادی، لیدن.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی